

### متن پرسش

سلام علیکم. ۱. استاد ما در بحث های برهان صدیقین داشتیم که برای رسیدن به کمال باید به عین کمال رجوع کنیم و راه آن اجرای شریعت الهی است و این رسیدن به کمال را با رجوع به خودمان و نفس خودمان می یافتیم. ۲. همانطور که با رجوع به نفس خود میابیم که نیازمند کمالاتی مثل آرمش، نشاط، علم، جاودانگی و... هستیم همانطور میابیم که نیازمند چیز های دیگری هستیم که از آنها به عنوان لذت یاد می شود، مثل لذت غذا خوردن یا روابط جنسی و از طرفی هم می دانیم لذت بردن هم ناشی از نقص است... فرق اینها با هم چیست؟ آیا رسیدن به این لذت ها نوعی کمال محسوب می شود؟ با توجه به اینکه همان روح است که لذت می برد... از طرفی اگر فکر کنیم می بینیم که اصلا رسیدن به هر کمالی خود لذت بخش و مطلوب است و اگر با رسیدن به کمال حال خوب و لذتی وجود نداشته باشد رسیدن به کمال معنایی ندارد... کمی در این رابطه گیج شده ام زیرا در نگاه عام لذت طلبی منفور است. آیا این منفر دانستن بخاطر عدم توجه به آخرت و منحصر کردن آن در همین دنیا است و همان غذا و شهوت است یا چیز دیگر؟ لطفا راهنمایی بفرمایید. زیرا به نظرم حل این مسئله می تواند مبنای مهمی برای اجرای شریعت خدا و صبر در برابر مشکلات و امتحانات الهی باشد، آنجا که انسان از بعضی چیزها منع می شود یا در سختی ها قرار می گیرد و اگر بداند بهای این سختی و صبر چیست؟ یا علی. التماس دعا

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نمی دانم با توجه به این که در نوشته ی شما بعضی کلمات نامفهوم است درست برداشت کردم یا نه. حقیقت این است که هرکس یک وجه خلقی دارد و یک وجه الهی و باید وجه خلقی خود را زمینه و بستر به فعلیت رساندن وجه الهی خود نماید. حال اگر از این سنت غافل شد و به وجه خلقی خود مشغول شد و لذات وجه خلقی خود را مد نظر قرار داد، از تعالی لازم باز می ماند. در حالی که سنت الهی آن است که لذات وجه خلقی را در مسیر تعالی وجه الهی قرار دهیم. موفق باشید